

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال چهاردهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۹

صفحه ۲۰۹ تا ۲۲۸

نقش گرایش‌های مذهبی حاکمان در توسعه موقوفات از قرن هفتم تا دوره انقلاب اسلامی

زهرا مباحثی / دانشجوی دکتری، گروه تاریخ-تاریخ تمدن و ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Zahra.mobasheramini@yahoo.com

ستار عودی / دانشیار، گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) Sattar_oudi@yahoo.com

محمد سپهری / استاد، گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Sepehran55@Gmail.com

چکیده

از آنجایی که وقف نوعی سرمایه‌گذاری برای برطرف نمودن نیازهای مادی و معنوی مردم است از لحاظ اجتماعی یک نهاد کلان اجتماعی محسوب می‌شود لذا مطالعه در این حوزه حائز اهمیت است. با تهاجم مغولان به ایران در (۶۱۶ ه ق)، بسیاری از آثار وقفی تخریب شد. بعد از دوران گذار اولیه، بهبود شرایط اجتماعی و گرایش حاکمان مغول به اسلام، اهتمام به نهاد وقف از سوی حاکمان و مردم بیش از پیش فزونی یافت. این پژوهش با هدف شناسایی انگیزه‌های و عوامل مؤثر بر توسعه موقوفات حاکمان، از آخرین دوره حکومت نا مسلمانی (از اوگتای قاآن تا غازان خان) تا دوره انقلاب اسلامی به اجرا درآمده است. پژوهشگر با فرض تأثیرگذاری نگرش حاکمان در تقویت و یا تضعیف نهاد وقف و از طریق بازیابی اطلاعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تاریخی به این سؤال اساسی پرداخته که انگیزه‌های حاکمان در دوره‌های مختلف تا چه اندازه در توسعه و ترویج نهاد وقف مؤثر بوده است؟ نتایج به دست آمده نشان داد یکی از علل سیر تحولی اوقاف در دوره‌های مذکور گرایش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی حاکمان بوده است. با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تأثیرگذاری شگرف امام (ره) به عنوان فقیهی عالم در مردم، نهاد وقف رونق بی‌سابقه‌ای یافت. چرا که بنیانگذار جمهوری اسلامی حامی توسعه‌ی فرهنگ وقف بوده‌اند و موجب نفوذ بیشتر مفاهیم اسلامی در بین مردم و ترغیب آنان به وقف شدند.

کلیدواژه: وقف، نهاد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، انقلاب اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

این مقاله مستخرج از رساله دکتری خانم زهرا مباحثی می‌باشد.

مقدمه

وقف از پیش اسلام در ایران رواج داشت و هرگز از مبانی اعتقادی مردم ایران جدا نبوده است. پس از ورود دین اسلام، نهاد وقف با تأثیرپذیری از جهان‌بینی اسلامی در جهت تعالیم اسلام قرار گرفت. تحولات اجتماعی از جمله جنگ‌ها و تجاوزهای بیگانگان هرچند در کوتاه‌مدت موجب کندی گسترش وقف می‌شد؛ اما ریشه‌های مستحکم این سنت حسنه، مانع از فراموشی کامل آن می‌گردید. هجوم مغولان موجب آسیب فراوان بسیاری از زیرساخت‌های ایران شد (جورج لین، مقدمه، ۱۳۹۰: ۹). بخش زیادی از این زیرساخت‌ها، نهادهای وقفی از قبیل مساجد، مدارس، کاروانسراها، دارالشفاه و درمانگاه‌ها، کتابخانه‌ها، نهرهای آب و آب‌انبارها بودند.

حاکمان مغول به تدریج تحت تأثیر فرهنگ و اعتقادات و باورهای دینی مردم ایران قرار گرفتند و بنابر ویژگی‌های روح تسامح و تساهل‌گرایی مذهبی مغولان علمایی چون خواجه نصیرالدین طوسی و خاندان جوینی و رشیدالدین فضل‌الله همدانی را که در دربار خود به کار گماشته بودند و اقدامات ایشان موجب افزایش موقوفات در ایران شد. در کنار باورهای مذهبی، انگیزه‌های غیرمذهبی نظیر امنیت و حفظ اموال نیز در رشد موقوفات موثر بوده است. در دوره تیموریان روند توسعه موقوفات ادامه یافت و موقوفات بسیاری نظیر مسجد گوهرشاد در مشهد و هرات احداث شد. در دوره صفوی روند توسعه وقف فزونی یافت و علاوه بر متمولین شاهان صفویه نیز، به وقف بقاع متبرکه شیعه همت گماشتند. در دوره قاجار نیز کمیت موقوفات افزایش یافت اما همزمان با تأثیرپذیری از غرب، اوضاع موقوفات آشفته بود. در دوران مشروطه با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بر وضعیت موقوفات سامان نسبی داده شد. در عصر پهلوی، با تأسیس اداره‌ی اوقاف، تصرفات حکومتی به املاک و مستقالات وقفی در ایران شروع شد. از جمله این تصرفات می‌توان به قانون اصلاحات ارضی مصوب سال ۱۳۴۰ اشاره نمود که موجب شد بسیاری از اراضی موقوفه از حالت وقفی خارج شوند و تمایل مردم به وقف کاهش یابد. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، موجب احیای این سنت دیرینه شد و رنگ و بویی دوباره به آن بخشید. در اولین گام با تصویب لایحه قانونی در سال ۱۳۵۸، لزوم استمرار موقوفه بودن اراضی وقفی و عدم امکان واگذاری آنان اجرایی شد. لذا اعتماد مردم مبنی بر حفظ موقوفات شخصی خود و حراست نظام جمهوری اسلامی از آن‌ها شکل گرفت. علاوه بر این با افزایش نفوذ و تأثیر گذاری روحانیون در مردم و تشویق آن‌ها، روند توسعه موقوفات رشد بی

سابقه‌ای یافت. لازم به ذکر است که پیش از انقلاب اسلامی برخی از مردم با انگیزه‌های غیر مذهبی و برای حفظ دارایی‌های خود از حاکمان به وقف می‌پرداختند؛ اما بدیهی است که هدف مردم از وقف در دوران انقلاب اسلامی کاملاً متحول گشته است. طبق آمار رسمی، شمار موقوفات پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزایش چشمگیری داشته که از لحاظ نوع اهداف و نیات واقفان نیز حائز اهمیت و قابل تأمل است. اهداف واقفان در جهت رفع مسائل و مشکلات اساسی جامعه اسلامی ایران است.

نگارنده گان با هدف آشنایی با تأثیرسیاستهای حاکمان مختلف در سیر تحولی نهاد وقف در یک روند تاریخی (قرن هفتم تا انقلاب اسلامی) اقدام به مطالعه‌ی مقدماتی تحولات دوره‌ی مغول نمودند و نشانه‌هایی از تأثیر پذیری باورهای اعتقادی مردم در موضوع وقف از نگرش حاکمان یافت. سپس این سوال ایجاد شد که فرایند وقف از دوره مغول از قرن هفتم تا دوره انقلاب اسلامی چه فراز و نشیبی را طی نموده و در این میان نقش نگرش حاکمان در گسترش آن چه بوده است؟ از این رو نگارنده گان با یک مطالعه مروری و با استفاده از اسناد و مدارک تاریخی در حوزه وقف، با این فرض پژوهش خود را شروع نمود که به نظر می‌رسد نگرش حاکمان در تقویت و یا تضعیف نهاد وقف بسیار تأثیرگذار بوده و به دلیل ماهیت معنوی این نهاد و مشارکت مردمی در آن، تقویت وقف موجب تثبیت باورهای اعتقادی مردم می‌شود.

با بررسی تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق مقالاتی چون «بررسی موقوفات ایران در قرون ۶ تا ۸ هجری» آن لمبتون، کرک، نیوتون و مقاله‌ی «وقف در اندیشه و آثار امام خمینی» حسن پویا، با نگاهی از آثار امام خمینی به ویژه کتاب تحریر الوسیله و صحیفه امام به موضوع وقف و بررسی استفتائات امام پرداختند. مقاله «وقف، تجربیات جمهوری اسلامی ایران در زمینه وقف» که توسط محمدعلی نظام زاده، به چاپ رسیده که به تاریخچه وقف و جایگاه قانونی اوقاف در صدسال گذشته پرداخته است. علی‌رغم آثار ثبت شده در حوزه وقف، نگارنده موفق به یافتن پژوهشی منسجم با هدف بررسی تأثیر انگیزه‌ی حاکمان در میزان توسعه‌ی موقوفات از تهاجم مغول به ایران تا دوره‌ی انقلاب اسلامی، نشده است.

مبانی نظری

در فقه اسلامی وقف علاوه بر یک عمل عبادی و فردی بیشتر به عنوان یک نهاد اجتماعی نگریده شده است و در اصطلاح فقهی وقف عبارت است از تحبیس اصل است و اطلاق منفعه آن و بدین معنی است که اصل و عین مال را از بیع و شراء و سایر معاملات متوقف و

موقوف می‌کند تا از منافع آن برای "مصلح عامه" یا دسته و افراد مخصوص یا محل و مکان مخصوص بهره برداری شود و به مصارف معلومه برسد چنانکه وقف بر مدارس و دانشجویان علم و فقرا و مساجد و مصارف خاص دیگر و (الواقف علی المساجد و القناطر فی الحقیقه وقف علی المسلمین اذ هو مصروف الی مصارفهم) (سجادی، ۱۳۶۳، ۴: ۵۹۸).

محقق حلی در شرایع می‌نویسد: وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است (تسبیل منافع یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است (حلی، ۱۳۶۸، ۱: ۳۴۳). وقف کردن از کارهای پسندیده و نیکوئی است که از دیرباز و خیلی پیش از ظهور اسلام در جوامع بشری و عرف عقلا متداول بوده و نمونه‌های بسیاری از آن را در کتب تواریخ و جامعه‌شناسی و غیره می‌توان مطالعه کرد. امام خمینی (ره) به‌عنوان یک اندیشمند و عالم مسلمان، رهبر انقلاب اسلامی ایران و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی دارای جهان‌بینی و انسان‌شناسی خاصی است که در تمام اصول و بنیادها کاملاً متأثر از مکتب اسلام و توحید است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۹). ایشان در کتاب تحریرالوسیله با عنوان «کتاب الوقف» به بیان موضوع وقف پرداخته است و حدود ۲۰۰ استفتاء و ۹۹ مسئله در کتاب تحریرالوسیله از ایشان نقل شده است. همچنین در کتاب ۲۲ جلدی کتاب «صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی»، به موضوع وقف و واقفان و موقوفات اشاره شده است؛ که این موارد نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه وقف در دیدگاه ایشان بود. در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ فقط سه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی سرپرست برای آستان مقدس در نظر گرفتند و فرمودند «لازم است با کمال جدیت و به‌طور دقیق حفاظت از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر آنچه مربوط است به آن آستان مقدس بفرمایید و از حیف و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۶: ۱۴۳).

انگیزه‌های سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی

اگرچه انگیزه‌های وقف در تاریخ اسلام و ایران علاوه بر ابعاد فرهنگی و عبادی دارای ابعاد و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هم بوده است. انگیزه‌های مذهبی را می‌توان یکی از مهمترین انگیزه‌های واقفان به شمار آورد؛ اما با بررسی و مطالعه پیرامون این موضوع نشان می‌دهد که همیشه این سیره حسنه برای انگیزه دینی نبوده و در مواردی انگیزه‌های دیگری نیز وجود داشته که مردم را به سوی وقف کردن برانگیخته است (فیض، ۱۳۷۲: ۳۵). توجه به انگیزه‌های دینی و نقش جهان‌بینی اسلامی در گسترش فرهنگ وقف را نمی‌شود، انکار کرد در وقف نامه ربع رشیدی در مقدمه به پاداش اخروی بانیان موقوفات اشاره شده

است. دیولافوا، مقارن با سالهای سلطنت فتحعلیشاه قاجار وضعیت وقف در ایران را اینگونه بیان کرده است: «مسلمانان خیراندیش قبل از مرگ غالباً یک ثلث از املاک و دارایی خود را وقف مسجد، مدرسه و یا اعمال خیر دیگر از قبیل روضه خوانی و اطعام مساکین و غیره می کنند» (دیولافوا، ۱۳۶۲: ۱۷۲).

انگیزه‌های سیاسی را می‌توان یکی دیگر از عوامل مهم گسترش اوقاف به شمار آورد. در قرن ۸ و ۷ ه ق مقامات مغولی و دیگران املاک بسیار از جمله موقوفات را غصب می کردند. ظاهراً عدم امنیت در مالکیت خصوصی در اعصار مختلف موجب افزایش دامنه موقوفات بوده است و یکی از راههای کسب امنیت تبدیل این اراضی به اراضی وقفی بود (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۰). در بسیاری مواقع صاحبان املاک، کاروانسراها و... با وقف قسمت وسیعی از املاک خود می کوشیدند آن را از غصب و مصادره حفظ نمایند. گاهی نهاد وقف، نمادی برای حکومت بود، در واقع حکومت مشروعیت خود را به دست می آورد. وقف بر امامان و امامزادگان نقشی سیاسی داشت. مدارس و موقوفات عصر صفوی، بیانگر گرایش حاکمان این عصر به مذهب تشیع بود.

وجود انگیزه‌های دیگری تحت عنوان انگیزه‌های اجتماعی بعنوان خدمات رفاهی اجتماعی مطرح می‌شود. در آن دوران که وسایل ارتباطی به صورت امروز نبود، پل‌ها، کاروانسراها، خانقاه‌ها، مساجد، آب انبارها، رباط‌ها، آب‌های قنات و دیگر وسایلی که برای شهرنشینان و مسافران لازم بوده است که از محل موقوفات تأسیس و نگهداری می‌شده و از این نظر بسیاری از محصلین، طلاب علوم قدیمه، فقرا و ابنا السبیل، درویش و مستمندان از محل عواید موقوفات بهره مند بوده اند (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱، ۱۳۴).

رابطه وقف و حاکمیت

حکومت‌ها با انگیزه‌های مختلف بر روی کار می‌آیند، اما چیزی که همه آن‌ها مشترک است، اینکه دستیابی به اهداف غایی حکومت‌ها صرفاً با در دست گرفتن قدرت قابل حصول است. مسئله غایات و اهداف حکومت از مسائل محوری مورد توجه و عنایت اندیشمندان بزرگ بشر بوده است و کمتر اندیشمندی را می‌توان یافت که این مسئله را وجهه همت خویش قرار نداده باشد. در طول تاریخ اندیشمندان گوناگون بر مبنای نگرش خویش به تعیین اهداف و براساس اهداف حکومت‌ها، نقشهای متفاوتی برای آن‌ها تعریف کرده‌اند (عالم، ۱۳۷۳: ۲۴۱-۲۳۹). بر همین مبنای معتقدند که حکومت وظایفی چون تربیت مردم، هدایت آنان به سوی کمال و زمینه‌سازی برای اکتساب فضایل انسانی را به عهده

دارد. به‌طور کلی عدالت‌خواهی، هدایت و تربیت جامعه برای نیل به سعادت و خیر حقیقی و ملاحظه مصالح اخروی از شاخصه‌های اصلی حکومت فضیلت‌گرا است (فارابی، ۱۹۹۱: ۱۱۷-۱۱۸).

وقف در دو برهه تاریخی با حاکمیت ارتباط وسیعی پیدا کرده است. به لحاظ تاریخی اول بار با حمله مغولان و حضور آنان به ایران شاهد گسترش موقوفات در ایران هستیم. مغولان در زمان تهاجم به ایران از لحاظ اعتقادی به آیینی غیر از آیین مردم ایران بودند. آنان عمدتاً شمنی، بودائی و مسیحی بودند (بیانی، ۱۳۶۷، ۱: ۴۶). آنان با تخریب آثار وقفی ایرانیان که نماد دین اسلام داشت، از جمله مساجد و مدارس علمیه و بناهای عام‌المنفعه دیگر بر این تصور بودند که خواهند توانست اعتقادات ایرانیان به دین مبین اسلام را زایل ساخته و اعتقادات خود را جایگزین نمایند؛ اما در ادامه دریافتند ریشه‌های اعتقادی مردم ایران مستحکم‌تر از آن است که تصور می‌نمودند. به‌نوعی می‌توان گفت این استقامت و پایداری بر اصول اعتقادی مردم ایران به دلیل ریشه‌داری اوقاف مذهبی در ایران بود که پس از پذیرش این دین توسط مردم ایران سنت وقف طی هفت قرن قبل از ورود مغولان رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت و تلاش اندیشمندان اسلامی در اشاعه فرهنگ وقف حائز اهمیت بود. در واقع موقوفات در دوره‌های بعدی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است و در دوره صفویان با افزایش موقوفات شیعی روبرو هستیم.

مقطع دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که شاهد گسترش فرهنگ وقف در ایران هستیم سنت وقف تا حدودی از رکود خارج شد. تولید بسیاری از موقوفات به شارع مقدس و ولی فقیه بازگشت. نظارت بر موقوفات زیر نظر فقاقت جمهوری اسلامی و دستگاه اداری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت. موقوفاتی برای حوزه‌های علمیه و مراسم عزاداری و دستگاه‌های تبلیغاتی نظام اسلامی اعمال شد. نظام مقدس جمهوری اسلامی توانست فرهنگ و آموزش و تبلیغات اسلامی را جهت دهی کند و با تأسیس نهادهایی همچون سازمان تبلیغات اسلامی و کمیته امداد خمینی (ره) و برخی نهادهای انقلابی دیگر ایدئولوژی انقلاب اسلامی را بر آن حاکم کند.

اسلام یا مکتب الهی که بیانگر قوانین انسان‌ساز و پرورش‌دهنده آدمیان است و رسالت و کارکرد حکومت در این ارتباط نیز بهره‌گیری از قوانین مکتب و اجرای آن‌ها برای تحقق هدف بعثت که ساختن و تهذیب و کمال انسان‌ها می‌باشد (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۴). این گونه بود وقتی که امام خمینی حاکمیت اسلامی را پس از قرن‌ها فترت، بر ایران بنا

نهاد به امور زیر بنایی تشکیل حکومت اسلامی اهتمام ورزید و از نخستین تغییراتی که انجام داد وضع قوانین مستحکمی بود که حقوق ازدست‌رفته اوقاف را که در دوران پهلوی مورد تجاوز قرار گرفته بود به این نهاد اجتماعی بازگرداند. باین‌وجود در مقایسه با دوره‌های تاریخی مد نظر، چنین نتیجه گرفت که نگاه حاکم در امور اجتماعی مانند وقف چگونه می‌تواند در استحکام بخشی به آن نهاد مؤثر باشد.

بخش تاریخی وقف از مغول تا انقلاب اسلامی

وقف در دوره مغول

با ورود مغولان به ایران (۶۱۶ ه ق)، بسیاری از بسیاری از سنت‌های اجتماعی و مذهبی دستخوش تغییر و تحول قرار گرفت. املاک که گاهی ده کاملی را در بر می‌گرفت در اختیار مالکان جدید یا رؤسای فئودال ایلی قرار گرفت کارگزاران و ماجرا جویان با ادیان بودایی وارد ایران شدند و مسیحیان مغولی و غیر مغولی به این گروه پیوستند و هریک برای پیشبرد کار و توسعه نفوذ خود ادیان مسیحی و بودایی را پیش کشیدند و به ساختن کلیسا و صومعه و معبد دست یازیدند (بیانی، ۱۳۷۹، ۲: ۳۶۸). هلاکو (۶۵۴-۶۶۳ ه ق) درخوی بتخانه‌هایی بنا کرد (رشیدالدین، ۱۳۳۸، ۲: ۷۳۴). همچنین در دوره اباقاخان (۶۸۰-۶۶۳ ه ق)، درخوی، مراغه و سایر شهرهای آذربایجان و اَران بتخانه‌های بزرگ و باشکوهی برپا گردید. به قول رشیدالدین «بت پرستان قوی حال شدند و کارمذهب ایشان به عیوق رسید» (رشیدالدین، ۷۶۸، ۲: ۱۳۳۸).

اولین سلطان مسلمان تک‌ودار احمد (۶۸۳-۶۸۱ ه ق)، فرمان‌هایی به نقاط مختلف ممالک فرستاده شد تا بتخانه‌ها و صوامع تبدیل به مساجد شوند و به‌منظور بازسازی سازمان‌های دینی و اوقاف مأمورین عالی‌رتبه به هم‌همی شهرها فرستاده شدند تا از روحانیون و مشایخ دلجویی کنند. به شیخ عبدالرحمان در سال (۶۸۱ ه ق) مقام شیخ‌الاسلامی و تولیت اوقاف کل مملکت داده شد (خواندمیر، ۱۳۳۳، ۲: ۱۱۹). ارغون (۶۹۰-۶۸۳ ه ق) بودائی بود و فرمان داد، در نزدیکی خیمه‌ی وی کلیسایی بسازند (خواندمیر، ۱۳۳۳، ۲: ۲۲۲، ۲۲۳). گیخاتو (۶۹۴-۶۹۰ ه ق) بودائی بود (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۱۷۷). به دستور او در نزدیکی مراغه کلیسایی ساخته شد (گروسه، ۱۳۵۳: ۶۱۴). بایدو (۶۹۴ ه ق)، او اجازه‌ی بنای کلیساهای جدید در نقاط گوناگون مملکت را داد (گروسه، ۱۳۵۳: ۶۱۷-۶۱۶). غازان خان (۷۰۳-۶۹۴ ه ق)، با اسلام آوردن وی و استقرار مجدد دین اسلام بر رونق موقوفات افزوده شد. رشیدالدین فضل‌الله در جامع التواریخ ذکر کرده است: «غازان خان "جماعت و سادات و ائمه و مشایخ را نواخت فرمود ادرارات و

صدقات داد و در باب عمارت مساجد و مدارس و خانقاه‌ها و ابواب البر فرمان صادر کرد" (۱۳۳۸، ۲: ۱۲۵۵). غازان بناهای عام المنفعه و موقوفات بسیاری ایجاد کرد از جمله: شب غازان؛ که مهم‌ترین موقوفات در قرن هشتم هجری مواردی بود که توسط وی و جانشینش الجایتو و وزیر آنان رشیدالدین فضل الله ساخته شده بود.

محمد خدا بنده الجایتو (۷۱۴-۷۰۳ ه ق) در تقویت دین اسلام کوشید. موقوفات او عمدتاً در سلطانیه قرار داشت، که شامل یک جامع، یک خانقاه، یک مدرسه و یک دارالسیاده می‌شد. وی املاک ارزشمند متعددی را وقف آنها کرد که درآمد آنها برای حکومت به صد تومان می‌رسید (لمبتون، نیوتون، ۱۳۸۴: ۸۹). در دوره حکومت ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ ه ق) او دستور به ساختن مساجد و جوامع داد، صوامع و کنیسه‌ها ویران شد و نهی از منکر در سراسر مملکت برقرار گردید (الحنلی، ۱۳۵۰، ۶: ۱۱۳).

اوقاف در دوره تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ه ق)

در دوره تیموری با وجود جنگهای داخلی و خارجی و ناپایداری اوضاع مملکت شاهد تحولات و گسترش نهاد اجتماعی وقف در حوزه‌های مختلف در ایران هستیم. در این عصر اوقاف گسترش یافت و مساجد و مدارس و مکاتب و خانقاههای بسیاری در سراسر کشور ساخته شد و دین و مذهب بیش از پیش بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی تسلط یافت. ایلخانان اغلب مسلمان نبودند و کسانی همچون احمد تکودار و غازان و الجایتو و ابوسعید هم که اسلام آوردند تعصب قوی نداشتند؛ اما تیمور و شاهرخ و بسیاری دیگر از امیران و شاهزادگان تیموری در ظاهر بر اسلام تعصب می‌ورزیدند، نسبت به علمای مذهبی و مشایخ و اهل دین و سادات مهربان و متواضع بودند. پیشرفت روز افزون موقوفات در دوره تیموری نیز قابل توجه و تعمق است در این دوره به موقوفات جدیدی در خراسان، عراق و فارس بر می‌خوریم که عمدتاً مربوط به دوران سلطنت شاهرخ و سلطان حسین بایقرا می‌باشد (شهابی، ۱۳۴۲، ۲: ۱۲۶۹).

با بررسی اقدامات تیمور می‌توان دریافت که این امور شامل طیف گسترده‌ای از انواع فعالیت‌ها در راستای اهداف گوناگون بوده است به احتمال فراوان انگیزه عمران راهها کاروانسراها و روستا بیش از همه مبتنی بر مقاصد نظامی و راحتی در لشکر کشی‌ها بود و احداث ابنیه مذهبی و خانقاه‌ها برای کسب نظر قشر مذهبی و بهره‌گیری از نیروی آنها و نیز کارکردهای چند جانبه آن همچون رسیدگی به نیازمندان و آموزش طلاب و مرمت مدارس امکانات آبرسانی و حمام‌ها بر اساس سیاست توسعه‌ای او محسوب می‌گردید. ارادت تیمور

به سادات و صوفیان و پیشوایان در خور توجه بود و موقوفات بسیاری برای مزارات و مقابر مشایخ ایران و توران داشت (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۵۹-۳۶۰).

شاهرخ (۸۰۷-۷۵۰ ه ق) و همسرش گوهرشاد آغا و فرزندانش بایسنقر و الغ بیک و ابراهیم میرزا به سبب علاقه خاصی که به آباد ساختن شهرها و ترفیه حال مردم داشتند بسیاری از ویرانیهای تیمور را جبران کردند. در این دوره هرات، سمرقند، تبریز و شیراز که مراکز عمده حکومت تیموریان بودند آباد شدند در هریک از آنها بناها، قصرها باغها، مساجد و مدارس متعددی پی افکندند (میرجعفری، ۱۳۹۵: ۲۲۰). مکان دیگری که به میزان چشمگیری از حمایت سلسه حاکم برخوردار شد. آرامگاه امام رضا (ع) در مشهد بود. بزرگترین حامی این مکان گوهرشاد بود که در سال ۸۱۹ ه ق/۱۴۱۶ م مسجد جامع و با شکوه و هم چنین دارالسیاده و دارالحفاظی ساخت (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴). به نظر می رسد انگیزه شاهرخ از انجام اقدامات عام المنفعه احتیاجات مدنی و تمایلات مذهبی او بود چرا که شاهرخ یک سلطان حامی دین رسمی و دولتی شناخته شده بود و برنامه های عمرانی او نیز منعکس کننده این امر محسوب می شود (گلیمک، ۱۳۷۴: ۹۹).

سلطان حسین میرزا بایقرا (۹۱۱-۸۷۵ ه ق)، بعد از آنکه بر تخت نشست نخست تمایلات شیعی خود را نشان داد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲، ۱۰۱۲). اقدامات عام المنفعه این دوره، شامل جنبه های گوناگونی از جمله ساخت و تعمیر بقاع متبرکه و مساجد با کارکردی چند وجهی، مدارس، خانقاه ها و رباطها، باغ ها، نهرها و غیره می شد. سابتلی به افزایش وقف در خراسان در دوره تیموریان مخصوصاً در زمان حسین میرزا بایقرا توجهی خاص داشت (Subtelny, 1991:38).

ایجاد بناهای تحت عنوان خانقاه که شاید بتوان یکی از کارکردها آن در زمینه فعالیت های عام المنفعه را اطعام و کمک رسانی به فقرا و مساکین در اطراف مساجد و مقابر علمای دین و طریقت دانست و ارادت به سادات و مشایخ موجب افزایش احداث دارالسیاده ها و خانقاه ها و گسترش تصوف در این دوره شد.

اوقاف در دوره صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ ه ق)

با ظهور صفویه درباریان و حاکمان صفوی برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود املاک و مستغلات خود را وقف می نمودند و علاقه زمامداران این سلسله به وقف اموال در جهت رونق و آبادانی بقاع متبرکه شیعه و ماهیت دینی حکومت ایشان بوده است. دوره صفویه پیوند سیاست و حکومت با اعتقادات مذهبی است که شاه اسماعیل مذهب شیعه را

مذهب رسمی مملکت قرار داد. دوران صفویه به سبب استقرار مذهب شیعه یکی از دوره‌های فوق‌العاده مهم در تاریخ ایران است (باسورث، ۱۳۸۱: ۲۸۸). گسترش وسیع موقوفات را باید مربوط به دوران صفویه به خصوص دوره شاه عباس و بعد از آن دانست (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۷۴). یکی از اموری که موجب گسترش تشیع شد وقفیاتی بود که به جنبه‌های تبلیغاتی برای این آیین داشت کارکرد این موقوفات با سیاست دینی حکام صفوی هماهنگ بود و خود آنان و عمالشان احتمالاً با توجه به این سیاستها مبادرت به انجام این گونه موقوفات می‌کردند.

انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت دولت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ه ق) اوج ترویج و رونق وقف و کارسازی آن بود به طوری که بسیاری از آثار و ابنیه و مؤسسات قابل‌اعتنای آن عهد بر اثر این موضوع شکل گرفت (ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). با توجه به این که وقف از نظر اجتماعی از مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه است. گسترش نهاد وقف و اهمیت آن به اندازه‌ای بود، که کمپفر، شناخت درست وضع دربار ایران را به شناخت آن موقوف کرده است. وی در این باره می‌نویسد «شناخت درست دربار ایران بدون وقف به تأسیساتی که قسمت قابل توجهی از عواید دربار صرف آن می‌شود یعنی مساجد، گرمابه، قنوات شوارع عام و پل‌ها و بیش از همه مدارس دینی و همچنین نمایندگان علوم و هنر امکان ندارد» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۳۹).

شاردن کاروانسراهای اصفهان را در زمان شاه اسماعیل (۱۸۰۰) باب و مساجد را (۱۶۰) و مدارس دینی را (۴۸) و حمام‌ها را (۲۷۳) نگاشته ولی جابری انصاری می‌گوید: «به عقیده من چون شاردن به مساجد و مدارس راه نیافته و تمام را ندیده کم نوشته است ولی کاروانسراها را زیاد» (۱۳۷۸: ۲۲). شاه عباس اول در (۱۶۰۷م - ۱۵۰۱۵ ه ق) تمامی املاک و اموال شخصی خود را وقف چهارده معصوم کرد و تولیت آن را خود برعهده گرفت و بعد از خود نیز به جانشینان واگذار کرد (شاردن، ۱۳۴۵، ۸: ۱۶۳).

اوقاف در دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه ق)

در فاصله سالهای آشفته میان انقراض سلسه صفوی تا حکومت قاجاریه بسیاری از املاک یا به تصرف حکومت درآمد و یا به املاک شخصی مبدل گردید (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۲۴-۱۲۸؛ الگار، ۱۳۵۶: ۲۱). شاهان قاجار مانند حاکمان صفویه، مدعی تشیع و به منظور ایجاد مقبولیت مردمی و مشروعیت دینی، صدقات و وقف‌های زیادی داشتند. تقریباً با تأسیس حکومت قاجار علمای برجسته‌ای بخصوص در عتبات (آستانه‌ها: اماکن متبرک شیعه در

شهرهای کربلا، کاظمین نجف و سامرا از کشور عراق) بهم پیوستند و مطالعات مذهبی از نو شروع شد و موقعیت‌های آنان در سراسر سده نوزدهم تداوم و گسترش یافت (الگار، ۱۳۵۶: ۳۷). در مجموع ترویج دین مهم‌ترین هدف وقف‌های دوره قاجار بود که در این میان وقف برای روضه سیدالشهدا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است به طوری که این مقصود در غالب وقفنامه‌ها حتی وقف نامه‌های کوچک دیده می‌شود (کشاوری، ۱۳۸۸: ۱۰۲). وجود مساجد وقفی تأثیر زیادی در فرهنگ دینی نهاد و آموزه‌های شیعی را گسترش بخشید و نهادهای دینی را توسعه داد (مطبعه چی، ۱۳۸۷: ۶۶۸-۶۶۹).

در این دوره همانند دوره‌های قبل انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی، تظاهرات مذهبی و گاهی برای جلوگیری از تجزیه اموال و زمین هایشان، فرار از مالیات اموال خود را وقف می‌کردند، هر چند شناسایی این نکته که چه بخش از یک موقوفه براساس منافع فردی یا خانوادگی و چه بخش از یک موقوفه براساس منافع فردی یا خانوادگی و چه بخش بر اساس نیات معنوی وقف شده بسیار دشوار است اما تحلیل‌هایی از این دست را عمدتاً می‌توان در آثار منورالفکران پس از مشروطه و نیز مستشرقان جستجو کرد (کشاوری، ۱۳۸۸: ۱۰۳). دوران قاجار بالاخص از مشروطه به بعد اوج تحولات سیاسی، اجتماعی-اداری و کلیه شئون جامعه ایران بود. قرار گرفتن کشور ایران در گردونه سیاست بین‌المللی و موقعیت خاص استراتژیک این منطقه شرایط جدید و شاخص تری برای این کشور رقم زد (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۵۴).

فتحعلی شاه بر آن بود خود را در نظر علما بعنوان پادشاه دیندار تجلی دهد تنها در سال دوم حکومتش بیش از صد هزار تومان خرج اماکن متبرک عراق، قم و شاه چراغ شیراز شد و گنبد شاه عبدالعظیم را مطلا کرد (الگار، ۱۳۵۶: ۶۴، ۶۳، ۲۲۵). احداث دارالشفاء و مدرسه فیضیه و چند کاروانسرا و حمام از موقوفات وی بود (لسان‌الملک، بی تا، ۱: ۵۷، ۷۰). وی به اماکن متبرک شیعه علاقه و اخلاص نشان می‌داد.

مقارن با سلطنت مظفرالدین شاه انجمن معارف با جذب کمک‌های مردم خیر و رجال متنفذ اقدام به تأسیس مدارس نوین می‌کند و با تأسیس مدرسه دارالفنون نخستین مدرسه دولتی جدید (رحمانیان، ۱۳۹۳: ۲۰۸)، مردم ایران پس از مشروطیت عطش و نیاز فراوان به معقوله فرهنگی پیدا کردند مدارس و کتابخانه‌های متعددی تأسیس شد، دانشجویان ممتاز برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های خارج رفتند کاروانسراها و مساجد زیادی احداث شدند

انجمن‌های فرهنگی متنوع با عنوان‌های گوناگون تأسیس شدند وقف در تأمین هزینه‌های این نهادها تأثیر بسیار عمیقی داشت (مطبعه چی، ۱۳۸۷: ۶۶۸).

شاهان قاجار در انجام مراسم مذهبی دقت و ظرافت خاصی داشتند و هزینه اماکن مقدس را می‌پرداختند از ائمه جمعه و شیخ الاسلام‌های درباری حمایت می‌کردند و شمشیر صفوی را به عنوان نماد تشیع به کمر می‌بستند به قول موریه از "میراث با شکوه شاهان باستان تقلید می‌کردند" (Morier, 1818: 172). در این دوران شاه، عناصر حکومتی و اشراف و حتی برخی روحانیون در موقوفات دست اندازی می‌کردند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۶۵). فساد درباری در دوران قاجار تأثیرات نامطلوبی بر نهاد وقف داشت. در این شرایط، برخی متولیان از دست اندازی به درآمدهای موقوفات ابائی نداشتند. از اینرو، گاه مداخلاتی از سوی نهادهای حکومتی برای کنترل این وضع صورت می‌گرفت. برای نمونه سپهسالار اقداماتی برای اصلاح وضعیت موجود در دوره قاجار انجام داد (راوندی، ۱۳۸۲، ۴: ۳۵۷).

اوقاف در دوره پهلوی

دوره پهلوی به دو دوره تقسیم می‌شود. دوره اول: دوره ۱۶ ساله حکومت رضاه شاه بود (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش) دولت وی نظام اداری به وجود آورد که به آن امکان می‌داد، بسیاری از حوزه‌های عمومی را کنترل کند. تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ برای اداره امور به دولت قدرت تصمیم‌گیری وسیعی تفویض می‌کرد (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۹۰). شاه در سال ۱۳۱۸ دستور داد تا دولت همه املاک و زمین‌های وقفی را تصرف کند در نتیجه روحانیون نه تنها در حوزه سیاست بلکه در امور قضایی، اجتماعی و اقتصادی نیز نفوذ خود را از دست دادند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۷۵). لمبتون علت کاهش اوقاف را در دوره پهلوی اول را حیف و میل اموال وقفی به علت سوء مدیریت و تعرض حکومت پهلوی می‌داند با وجود آن که در این دوره قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای جلوگیری از حیف و میل موقوفات وضع شد. خاندان پهلوی، وابستگان و درباریان به موقوفات بسیاری به ویژه املاک حاصل خیز و اراضی مرغوب وقفی دست اندازی کرده و به نام خود ثبت کردند و بسیاری از مزارع ارضی را بر اساس قانون ابطال آب و خاک به فروش رساندند (لمبتون، ۱۳۷۷: ۴۲۱-۴۲۲). تقریباً تا پایان دوران حکمرانی رضا شاه در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ نظام وقف و وقفیت به کلی رو به زوال رفت (بصیرت منش، ۱۳۷۸: ۸۸، ۸۹). در این دوره علیرغم سیاستهای ضد مذهبی (مانند منع عزاداری سیدالشهدا و سایر ائمه) به خصوص در دوره اول پهلوی، باز طبق آمار مصرف بیشتر موقوفات سمت و سوی مذهبی دارد (نیک مهر، ۱۳۹۲: ۱۲۲). با توجه سیر

تحول قانون مداخله دولت در اداره اوقاف و قانون اصلاحات ارضی به موقوفات و املاک زراعی ضربه سختی وارد شد.

دوره دوم پهلوی: پس از استعفا و تبعید رضا شاه از ایران موج اعتراض و نارضایتی علیه روشهای غاصبانه وی و فریاد دادخواهی برای باز پس گرفتن اموال و املاکی که در زمان او تصاحب شده بود، پدیدار شد و به مجلس و مطبوعات کشید (برای نمونه رجوع کنید به صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوازدهم قانونگذاری جلد ۲ ص ۷۷۸-۷۷۷؛ ترکمان، ۱۳۷۴: ۱۱۴-۱۰۱)، محمد رضا پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش) در نخستین اقدامات خود برای جلوگیری از اوج گرفتن اعتراضات و احتمالاً به توصیه محمد علی فروغی در جلسه سی ام شهریور تمام املاک مستغلات و کارخانجاتی را که از پدرش به نام وی شده بود به دولت واگذار کرد تا در عمران و آبادانی کشور و امور خیریه صرف شود و اگر کسانی باشند که نسبت به املاک ادعای غبنی داشته باشند. پس از رسیدگی به شکایت آنها از محل همین املاک رفع ادعا بشود (سالنامه پارس، ۱۳۲۱، ۱: ۱۱۵)، اما بعد از گذشت ۷ سال دولت لایحه‌ای به مجلس فرستاد که بسیاری از آن املاک و مستغلات به مالکیت محمد رضا پهلوی باز می‌گشت و اموال مزبور به نام "موقوفه خاندان پهلوی" نامیده شد. این لایحه در ۲۰ تیر ۱۳۲۸ در یک ماده واحده تصویب شد و عواید این دارایی‌ها صرف امور خیریه شود و محمد رضا پهلوی دستور تأسیس سازمان املاک و مستغلات پهلوی را جهت اداره دارایی‌های مذکور صادر کرد (گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی ۱۳۵۵، ۱: ۵۷۰، ۵۶۹، ۵۹۵).

در مهر ۱۳۴۰ شاه فرمان وقف دارایی بنیاد پهلوی را به امور خیریه صادر کرد (آوری، ۱۳۶۸، ۳: ۱۵۲). این بنیاد ۲۰۷ موسسه اقتصادی از قبیل شرکتهای ساختمانی معدنی کشاورزی بیمه و بانک و هتل.... را به وجود آورد (مدنی، ۱۳۶۲-۱۳۶۱، ۲: ۲۱۲-۲۱۳). بنیاد پهلوی از بنیادهای مهم اقتصادی، فرهنگی وابسته به دربار پهلوی بود. محمد رضا پهلوی کلیه املاک اختصاصی خود را به بنیاد پهلوی انتقال داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی این بنیاد به بنیاد علوی تغییر نام داد در سال ۱۳۷۴ کلیه اموال و املاک بنیاد علوی به مالکیت بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی در آمد. نبود قانون احترام به حقوق فردی در قانون اساسی، حیف و میل اموال وقفی به علت سوءمدیریت و تعرض حکومت پهلوی و سیاستهای ضد دینی پهلوی سبب شد تا مردم تمایل کمتری به وقف نشان دهند؛ هر چند از نظر اقتصادی وضعیت مالی مردم بهتر از دوره قاجاریه بوده است (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۱۹).

دوره پهلوی با تغییر ساختار اجتماعی ایران وقف در جهت پیشرفت علم و توسعه دانشگاه و مدارس علوم جدید و مراکز درمانی بیمارستان و درمانگاه نیز جزو موقوفات بودند.

توسعه وقف در انقلاب اسلامی

امام خمینی (قدس سره) بنیان‌گذار فقید انقلاب اسلامی، با توجه به مبانی دین اسلام، قوانین مستحکم و قابل تأملی را برای تقویت و توسعه نهاد اجتماعی وقف پدید آوردند. نظام جمهوری اسلامی ایران تنها با فاصله دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اولین اقدام را در زمینه اعاده حقوق از دست‌رفته موقوفات کشور انجام داد و در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ در شورای انقلاب قانونی به تصویب رسید که در ماده یک این قانون به صراحت آمده است: «به منظور جلوگیری از هرگونه تضییع حق در موقوفات کشور و تنظیم اسناد و قرارداد اجاره و تعیین اجاره‌بهای عادلانه‌ی املاک استیجاری و متصرفی موقوفه از این تاریخ کلیه اسناد و قراردادها اعم از عادی و رسمی منعقد بین اوقاف و مستاجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستایی فسخ و به این قبیل مستاجرین و سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحاد در حال حاضر املاک موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع املاک استیجاری و متصرفی خود و تأدیبه‌ی اجاره‌بهای گذشته و تنظیم اسناد اجاره‌ی جدید به نرخ عادلانه‌ی روزه اداره اوقاف محل ملک مراجعه نمایند» (نظام زاده، ۱۳۷۸: ۱۰).

عواملی از قبیل ساختار تشکیلاتی سازمان اوقاف و اداره آن تحت نظارت مقام ولایت فقیه تصویب قوانین لازم در جهت احیای موقوفات و رعایت احکام وقف و مسائل شرعی در ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی سبب گردید تا افراد خیر در این امر مهم اجتماعی فرهنگی و اقتصادی بیشتر مشارکت کنند. یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ایرانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی و هزینه‌های آن بود. مسئولان نظام سعی کردند از روشهای مختلف هزینه‌های جنگ را تأمین کنند. در پنجم آذر ۱۳۵۹ از طرف آقای امام جمارانی و محمدعلی نظام زاده به‌عنوان نمایندگان حضرت امام در سازمان اوقاف و امور خیریه، در مورد برخی از پول‌هایی که در اختیار آن سازمان است برای مصرف در جبهه‌های جنگ سؤال می‌کنند که امام خمینی فرمودند: پول‌های معلوم‌المصرفی که وقت آن‌ها گذشته و یا پول‌هایی که موضوع وقف آن‌ها منتفی شده است می‌تواند در مصارف یادشده مصرف شود و شما مجاز هستید که در این راه مصرف نمایید (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۱۳: ۳۷۷).

و همچنین اشاره به باطل بودن اموالی که از اراضی موقوفه فروخته شده بود. ابتدا باطل بودن معاملات و در صورت معلوم بودن طرف معاملات از آنان مطالبه‌ی مال الاجاره کنند. اگر ندانند، مجازید تمام به مقدار آن برداشت نمایید برای مصارف مذکوره؛ اگر مجهولند؛ مجازید تمام پول یا بعض آن را در موارد مذکور (جبهه‌های جنگ و آوارگان جنگی و...) مصرف نمایید (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۷۷). در سال ۱۳۶۲ کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای را ارائه داد که بودجه‌ی دولتی سازمان اوقاف و امور خیریه قطع شود و طبق نامه‌ای در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۶ نظر امام را جویا شدند و امام فرمودند: به مقدار لزوم وقف در حفظ و جمع و خرج زحمت کارگران می‌توان از وقف صرف کرد و زائد بر احتیاجات از این امور لازم نیست. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۱۷: ۴۱۶).

یکی از موارد مهم توجه به موقوفات آستان قدس رضوی است. امام این آستان شریف را «مرکز ایران اسلامی» نامید (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۱۶: ۳۸۷). و در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ فقط سه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی سرپرست برای آستان مقدس در نظر گرفتند و فرمودند «لازم است با کمال جدیت و به‌طور دقیق حفاظت از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر آنچه مربوط است به آن آستان مقدس بفرمایید و از حیف و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۶: ۱۴۳). موارد دیگری مثل اراضی سرخس یا موقوفاتی که در کرمان بود (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۲۰: ۶۰-۶۱؛ همان، ۲۱: ۲۲۹). توجه و دقت و حسن نظر امام خمینی به اموال مختلف و بیت‌المال مسلمین را بیان می‌کند.

به بیان، محمدعلی نظام رئیس سازمان اوقاف و نماینده ولی فقیه تا سال ۱۳۷۸ سازمان اوقاف توانست برای بیش از هفت صد هزار نفر از متصرفات رقبات موقوفاتی که در رژیم گذشته از بین رفته و از وقف خارج شده بود سند اجاره تنظیم نمایند و بسیاری از اماکن موقوفه را که جهت استفاده از آنها برخلاف نیت واقف تغییر پیدا کرده بود در جهت نیت واقف احیا کنند (ر.ک: نظام زاده، ۱۳۷۸: ۱۱). در این دوره برقراری و اعمال ولایت دینی بر امور اوقاف (به دلیل لزوم اذن ولی فقیه یا حاکم شرع در تصرف در تغییر کاربری مواردی از اوقاف در هنگام نیاز) مشکل دیرینه‌ی نافذ نبودن احکام شرعی را که در عملکرد حکومت‌های گذشته وجود داشت از میان رفت (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۷۳). بر اساس اطلاعات به دست آمده بیش از ۸۰۰ نوع نیت وقف در موقوفات جمهوری اسلامی ایران وجود دارد به بعضی از نیت اشاره می‌شود خدمات دینی و مذهبی، کشور ایران بیش از ۷۰

هزار مسجد دارد، در حوزه بهداشت و سلامت، در میهن اسلامی ایران بیش از ۱۴۰۰ موقوفه درمانی و بهداشتی وجود دارد که تعداد ۱۳۳ بیمارستان آن در تهران قرار دارد در کشور ما بیش از ۶۸۰۰ موقوفات علمی آموزشی پژوهشی و فرهنگی وجود دارد. مانند مدارس و حوزه‌های علوم دینی دانشگاه‌ها مدارس آموزش و پرورش موسسه‌های قرآنی کتابخانه‌ها و کتبی که در کتابخانه‌ها قرار دارد، در حوزه ورزش و جوانان ۴۷۹ مجموعه ورزشی موقوفه داریم و ... (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۶، ۱۵۷). با عنایت به اینکه اساس انقلاب ایران بر پایه اسلام و اجرای احکام متعالی آن استوار گردیده و این موضوع چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی به صورت مؤکد توسط رهبر عظیم‌الشان انقلاب حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه اعلام گردیده است؛ بنابراین با توجه به حفظ و صیانت موقوفات کشور و احقاق حقوق شرعی موقوفات نیز به حکم همان اساس اسلامی بودن انقلاب باید مورد توجه خاص قرار می‌گرفت. در شریعت و فقه به مدیریت وقف و اداره‌ی موقوفات اهتمام ویژه شده است. در همه استان‌های کشور اوقاف رو به گسترش بود و کثرت اوقاف سازمانی باقوت و صاحب اقتدار و کارآمد می‌طلبید. با مقایسه قوانین موضوعه قبل از انقلاب اسلامی با دوران انقلاب در سطور فوق می‌توان به جایگاه مهم نهاد وقف در نظام اسلامی پی برد این قوانین چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی قابل مقایسه با یکدیگر نیستند. در واقع می‌توان ادعا نمود که نگاه حاکمیتی به موضوع وقف در پس از انقلاب اسلامی با توجه به اهتمام امام خمینی در این راستا توانسته است به این مهم دست یابد.

دستاوردهای اجرایی انقلاب اسلامی در حوزه وقف

ایجاد دادگاه وقفی: اقدام دیگری که در این زمینه وجود دارد در جهت اعاده و تثبیت موقوفات بسیار مؤثر بوده است. ایجاد دادگاه مدنی خاص که در این محاکم به ماهیت دعاوی برابر احکام شرع مقدس اسلام رسیدگی می‌شد این دادگاه‌ها در اجرای احکام اسلامی به دعاوی موقوفات رسیدگی و طبق موازین شرعی حکم لازم را صادر می‌کردند و از این طریق بسیاری از رقبات موقوفه احیا شدند و مجدداً به حال وقف درآمدند (نظام زاده، ۱۳۷۸: ۱۱).
به منظور کمک به موقوفات و تشویق افراد خیر به امر وقف و امور خیر قوانین مختلف دیگری نیز در جهت کمک به افزایش موقوفات به تصویب رسیده است؛ برخی از موارد قانونی به این شرح است:

۱. به موجب بند ۳ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۷۱ موقوفات عام از پرداخت

مالیات معاف شده‌اند

۲. به موجب تبصره ذیل ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ موقوفات عام بقاع متبرکه اماکن مذهبی اسلامی مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های داوری در محاکم قضایی و هزینه‌های مربوط به ثبت تفکیک و افزاز املاک موقوفه و هزینه‌های مربوط به اجرای احکام معاف شده‌اند

۳. به موجب تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری موقوفات عام از پرداخت عوارض نوسازی شهرداری‌ها نیز معاف شده‌اند اعطای این امتیازات به املاک وقفی مسلماً در جهت تشویق افراد نیکوکار مؤثر بوده و پیشنهاد می‌شود در کلیه کشورهای اسلامی به منظور ترغیب افراد نیکوکار این قبیل امتیازات برای موقوفات در نظر گرفته شود (امینیان، ۱۳۷۷: ۱۵۹-۱۶۵).

در این دوره برقراری و اعمال ولایت دینی بر امور اوقاف (به دلیل لزوم اذن ولی فقیه یا حاکم شرع در تصرف در تغییر کاربری مواردی از اوقاف در هنگام نیاز) مشکل دیرینه‌ی نافذ نبودن احکام شرعی را که در عملکرد حکومت‌های گذشته وجود داشت از میان رفت (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۷۳). وقف به عنوان یک گزاره دینی و نهاد اجتماعی دینی در گسترش عدالت اجتماعی با ایجاد یک منبع درآمدی برای عامه‌ی مسلمین در ایجاد توازن در جامعه قدم برمی‌دارد (سجادی، ۱۳۹۱: ۶۶). بر اساس اطلاعات به دست آمده بیش از ۸۰۰ نوع نیت وقف در موقوفات جمهوری اسلامی ایران وجود دارد به بعضی از نیت اشاره می‌شود (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۶)

۱. خدمات دینی و مذهبی، کشور ایران بیش از ۷۰ هزار مسجد دارد ۲. حوزه بهداشت و سلامت، در میهن اسلامی ایران بیش از ۱۴۰۰ موقوفه درمانی و بهداشتی وجود دارد که تعداد ۱۳۳ بیمارستان آن در تهران قرار می‌گیرند. ۳. حوزه علم و فن آوری بالاترین خدمات به علم و دانش و پژوهش و موضوعات مشابه آن است در کشور ما بیش از ۶۸۰۰ موقوفات علمی آموزشی پژوهشی و فرهنگی وجود دارد مانند مدارس و حوزه‌های علوم دینی دانشگاه‌ها مدارس آموزش و پرورش موسسه‌های قرآنی کتابخانه‌ها و کتبی که در کتابخانه‌ها قرار دارد (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۷) ۴. حوزه ورزش و جوانان ۴۷۹ مجموعه ورزشی موقوفه داریم (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۷-۱۵۵) و غیره.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وقف به‌عنوان یک‌نهاد مدنی در ادوار گذشته، بخش مهمی از ساختار تمدن ایرانیان بود. اما همواره نیت وقف با نوعی معنویت آمیختگی جدایی‌ناپذیر داشت. مغولان با هجوم گسترده خود به ایران در قرن هفتم (ه.ق) ابتدا سعی داشتند ساختار اجتماعی و فرهنگی موجود در ایران را که چند قرن با مبانی دین مبین اسلام درهم آمیخته بود، تغییر دهند و آداب و اعتقادات مغولی از جمله آیین شمنی را جایگزین آداب و سنن اسلامی ایرانیان سازند. یکی از نهادهای مهم اجتماعی که رنگ دینی به خود گرفته بود نهاد وقف بود که از تعرض مغولان در امان نماند. تخریب گسترده ابنیه و آثار وقفی، دستاورد مغولان در سال‌های ابتدایی حاکمیت آنان در ایران بود. مغولان در ادامه حکومت پرتنش خویش در ایران به این نتیجه رسیدند که استمرار حاکمیت آنان بر ایران در گرو پذیرش اعتقادات ایرانیان و حاکم نمودن مبانی دینی در این کشور است بنابراین با شروع دوره حکومت تکودار احمد (۶۸۳-۶۸۱ ه.ق) به‌عنوان نخستین حاکم مسلمان مغول که البته با زیرکی دانشمندان مسلمان ایرانی نفوذ یافته به دربار مغولان از جمله خواجه نصیرالدین طوسی به ثمر رسید، نهاد اجتماعی وقف در ایران جانی تازه یافت و به‌این ترتیب ابنیه و اماکن زیادی وقف شدند و ساختارهای دیوانی برای به ثبت رساندن آنان ایجاد گردیدند. پس از دوره مغول نهاد وقف فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت تا با ظهور انقلاب اسلامی با مبانی اعتقادی انقلاب این نهاد بر اساس آموزه‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (قدس سره) از لحاظ ساختاری تحولات بسیاری یافت و مهم‌ترین آنان وضع قوانین مستحکم برای تقویت و توسعه نهاد اجتماعی وقف است. در توسعه اماکن عام‌المنفعه از جمله بیمارستان‌ها و مراکز علمی و پژوهشی و آموزشی عملکرد نظام اسلامی در طول تاریخ ایران بی‌سابقه است. در تنوع‌بخشی به نیت‌های وقفی که در ادوار گذشته به تعداد کمی محدود بود، به ۸۰۰ نوع نیت وقفی ارتقاء یافت. بنابراین فرضیه محقق که بیانگر نقش باورهای اعتقادی حاکمیت دوران انقلاب اسلامی بسزایی گسترش و توسعه کمی و کیفی نهاد اجتماعی وقف مورد تأیید قرار گرفت.

منابع و مآخذ:

- اشپولر، برتولد، (۱۳۵۱)، **تاریخ مغول در ایران**، ترجمه میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- آبراهامیان، پرواند، (۱۳۷۷)، **ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر**، مترجم، احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلیایی، نشر نی، تهران
- آوری، پیتر، (۱۳۶۸)، **تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا اصلاحات ارضی**، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی ج ۳، تهران.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۸)، **سیاست اقتصاد عصر صفویه**، تهران: صفیعی‌شاه.
- باسورث، ادموند کلیفورد، (۱۳۸۱)، **سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی**، مترجم فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بصیرت منش، محمد، (۱۳۷۸)، **علما و رژیم شاه**، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ دوم
- بیانی، شیرین، (۱۳۶۷)، **دین و دولت در ایران عهد مغول از تشکیل حکومت منطقه‌ای مغولان تا تشکیل حکومت ایلخانی**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیانی، شیرین، (۱۳۶۷)، **مغولان و حکومت ایلخانی در ایران**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پویا، حسن، (۱۳۹۸)، «وقف در اندیشه و آثار امام خمینی»، **وقف میراث جاویدان**، شماره ۷۰، صص ۲۸-۱۵
- ترکمان محمد، (۱۳۷۴)، «نگاهی به اموال منقول و غیر منقول رضا شاه، در تاریخ معاصر ایران مجموعه مقالات کتاب هفتم، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران.
- جباری انصاری، محمد حسن، (۱۳۷۸)، **تاریخ اصفهان و ری**، اهتمام جمشید مظاهری، مشعل، اصفهان
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی معاونت پژوهشی، چاپ دوم.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۷۲)، **زبده التواریخ**، به تصحیح کمال حاج سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی، تربتی، ابوطالب، (۱۳۴۲)، **تزو کات تیموری**، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- حلی، جعفرین حسن، (۱۳۶۸)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام**، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- خمینی، سیدروح‌الله (ره)، (۱۳۷۹)، **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول
- خمینی، سید روح‌الله (ره)، (۱۳۷۸)، **صحیفه امام**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۲۲، جلد.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، (۱۳۳۳)، **تاریخ حبیب‌السیر فی الاخبار افراد بشر**، تهران: کتابخانه خيام.
- دیوالقوا، ژان پل راشل، (۱۳۷۱)، **سفرنامه مادام دیوالقوا: ایران و کلد، علی محمد فروشی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، **تاریخ اجتماعی ایران**، تهران: نگاه، ج ۴.
- رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۳)، **ایران بین دو کودتا: تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد**، سمت، تهران
- رشیدالدین، فضل‌الله همدانی، (۱۳۳۸)، **جامع التواریخ**، به کوشش بهمن کریمی، تهران: آقبال، جلد ۲ و ۳.
- ریحی، سامانی، نادر، (۱۳۷۸)، **وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات**، شیراز، چاپ توحید، انتشارات نوید.
- سالنامه پارس، ۱۳۲۱.
- سجادی، جعفر، (۱۳۶۳)، **فرهنگ معارف اسلامی**، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، جلد چهارم ک-ی.
- سمرقندی، عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، **مطلع السعیدین و مجمع بحرین**، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شاردن، ژان، (۱۳۴۵)، **سیاحت نامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران
- شاه حسینی، پروانه، (۱۳۹۰)، «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی»، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، شماره ۲۵.
- شهبابی، علی اکبر، **تاریخ چه وقف در اسلام**، (۱۳۴۳)، تهران: چاپ دانشگاه تهران، نشر اداره کل اوقاف تهران.
- عالم، عبدالرحمان، (۱۳۷۳)، **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشرنی.
- فاریابی، ابونصر، (۱۹۹۱)، **آراء اهل‌المدینه الفاضله**، تحقیق البیر نصری نادر، بیروت: دارالمشرق.
- فیض، علیرضا، (۱۳۷۲)، «وقف و انگیزه‌های آن»، **میراث جاویدان**، شماره ۴، صص ۳۶-۴۳.
- کشاورز، محمد، (۱۳۸۸)، **بررسی انگیزه‌های واقفان در شهر تهران بر پایه بازخانی دو نمونه از وقف نامه‌های بازار دورت قاجار**، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۶۸
- کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۳)، **سفرنامه کمپفر**، مترجم کیکاووس جهاننداری، خوارزمی، تهران
- الگار، حامد، (۱۳۵۶)، **نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه**، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران
- گاهنامه، (۱۳۵۵)، **گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی**، فهرست روز به روز وقایع سیاسی نظامی و اقتصادی و اجتماعی ایران از ۳ اسفند ۱۲۴۷ تا ۳۰ اسفند ۱۳۳۵، تهران.

- گروسه، رنه، (۱۳۵۳)، **امپراطوری صحرائوردان**، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- گلمبک، لیزا و دونالد، ویلبر، (۱۳۷۴)، **معماری تیموری در ایران و توران**، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور
- لسان الملک، محمدتقی سپهر، (بی تا)، **ناسخ التواریخ**، تهران.
- لمبتون، آن کاترین سوسین فورد، (۱۳۶۳)، **سیبری در تاریخ ایران بعد از اسلام**، مترجم یعقوب آژند، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- لمبتون، (۱۳۶۲)، **مالک و زارع در ایران**، ترجمه منوچهرامیری، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی چاپ ۳
- لمبتون، ا.ک.س، (۱۳۷۲)، **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشرنی.
- لمبتون، آن، نیوتون، کرک، (۱۳۸۴)، «بررسی موقوفات ایران در قرن ۱۶ تا ۱۸ هجری»، مترجم مجتبی کیانی، **وقف میراث جاویدان**، شماره ۴۹، ص ۹۲-۷۶
- محمادی، (۱۳۹۶)، «نقش وقف در ایجاد و احیاء تمدن نوین اسلامی»، **وقف میراث جاویدان** و شماره ۹۷ و ۹۸، صص ۱۶۰-۱۵۵
- مدنی، جلال الدین، (۱۳۶۱-۱۳۶۲)، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، قم.
- مرتضوی، منوچهر، (۱۳۷۰)، **مسائل عصر ایدخانان**، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- مصطفوی رجالی، مینودخت، (۱۳۵۱)، **وقف در ایران**، بی جا.
- مطبعه چی، مصطفی، (۱۳۸۷)، جایگاه وقف و تحولات جامعه ایرانی دوره قاجار به، **مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی**، تهران اسوه
- میرجعفری، حسین، (۱۳۹۵)، **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در عهد تیموریان و ترکمانان**، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، سمت و دانشگاه اصفهان.
- نظام زاده، محمدعلی، (۱۳۷۸)، «وقف، تجربیات جمهوری اسلامی ایران در زمینه وقف»، **وقف میراث جاویدان**، شماره ۱۷، صص ۸-۱۵
- Morier, J. (1818). **A Second Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, Between the Year 1810 and 1816 (etc.)**. Longman.
- Subtelny, M. E. (1991). A Timurid Educational and Charitable Foundation: The Ikhlaṣiyya Complex of 'Alī Shīr Navā'ī in 15th-Century Herat and Its Endowment. **Journal of the American Oriental Society**, 38-61.